

چهارشنبه 5 شهریور 1399 - 6 محرم 1442 - 26 آگوست 2020

روز بزرگداشت و تولد "محمد بن زکریای رازی" دانشمند نامدار جهان اسلام (244 ش)



روز بزرگداشت و تولد "محمد بن زکریای رازی" دانشمند نامدار جهان اسلام (244 ش). محمد بن زکریای رازی در سال 251 هجری قمری در شهر ری متولد شد. در اوان جوانی به فراگیری علم کیمیا و شیمی پرداخت و در اثر بخار و دود ناشی از زرگری، چشمش و هایش ورم کرد و برای معالجه، نزد طبیبی رفت. آن طبیب پانصد اشرفی طلا به عنوان حق معالجه از او گرفت و به رازی گفت: کیمیا همین است نه عملیات تو. محمد بن زکریا، از آن پس ترک کیمیایگری کرد و در سن چهل سالگی به تحصیل طب پرداخت تا آنکه مرجع تمامی اطبای زمان خود شد. شهرت او در میان همگان به حدی رسید که عربها او را طبیب المسلمین و به مناسبت این کتابها و زبان عربی است، جالینوس العَرَب، خواندهاند. رازی بعدها به سرپرستی بیمارستانهای معروف عصر خود از قبیل بیمارستان بغداد و ری برگزیده شد. همچنین کشف الکل از جمله نتایج تحقیقات او در کیمیا بوده است. برای محمد بن زکریای رازی، 56 کتاب در طب، 33 کتاب در علوم طبیعی، 17 کتاب در فلسفه، 14 کتاب در الهیات، 22 کتاب در کیمیا و دهها اثر دیگر در علوم مختلف ذکر کردهاند که تا 184 عنوان بر شمرده شده است. سرانجام این دانشمند بزرگ مسلمان در 60 سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و در ری مدفون گشت. سالروز تولد این پزشک شهیر مسلمان و ایرانی، برابر با پنجم شهریور، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز بزرگداشت این شخصیت برجسته علمی نامگذاری شده است.

تعوض، تاریخ مهفوم شاهنشاهی، به سال هجری شمسی (1357 ش)، محمدرضا پهلوی که می‌دانست اتکای اصلی مخالفان رژیم، اسلام است، درصدد برآمده بود تا ریشه‌های این مکتب را خشک کند. به همین جهت در شهریور سال 1354 ش در مراسم افتتاح مجلس دوره بیست و چهارم، در سخنانی عنوان کرد که قصد دارد فرهنگ ایرانی را از عوامل بیگانه‌سازی که در این فرهنگ راه یافته‌اند، نجات دهد. در این راستا، مجلس سنا و مجلس شورای ملی در یک اجلاس مشترک به ریاست جعفر شریف امامی تصویب کردند که مبدأ تاریخ، از هجری شمسی به شاهنشاهی تغییر یابد و آغاز سلطنت در ایران و جلوس کوروش هخامنشی به عنوان مبدأ تاریخ ایران عنوان گردید. این قانون ننگ‌آور با مخالفت و تحریم بسیاری از مردم و علما مواجه گردید و سرانجام با روی کار آمدن دولت عوام فریب شریف امامی و به منظور فریب افکار عمومی در شهریور 1357، ملغی شد. هرچند، کار رژیم از این نمایش‌های ساختگی گذشته بود و چیزی نمی‌توانست، انقلاب توفنده مردم مسلمان را از حرکت باز دارد.

اعلام ملی، شدن کلیه معادن کشور، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از معادن کشور توسط بخش خصوصی اداره می‌شد یا امتیاز آن در انحصار بیگانگان قرار داشت. با پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی، کلیه معادن کشور ملی اعلام شده و مطرح گردید که تحت هیچ عنوان به مالکیت بخش خصوصی تعلق نمی‌گیرند. به موجب این قانون، حق اجازه بهره‌برداری از معادن تنها در صلاحیت دولت قرار دارد و از سوی دولت به برخی بخش‌های دولتی نظیر استانداری‌ها و گذار می‌گردد، هر چند بخش خصوصی می‌تواند به عنوان مقاطعه‌کار در عملیات اکتشاف معادن شرکت نماید و با دولت قرارداد منعقد کند.

روز بزرگداشت مقام علم و دانش و گرامیداشت فرزندان ایران زمین، پنجم شهریور سالروز ولادت ابوبکر محمد بن زکریای رازی از مشاهیر بزرگ جهان اسلام و علم طب و داروسازی، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز داروسازی نامگذاری شده است.

در گذشته استاد علم، اکبر کاهه؛ خشنه‌س، برجسته معاصر (1369 ش)، استاد علی‌اکبر کاهه فرزند مرحوم علی‌محمدخان شیرازی، در سال ۱۳۱۲ق در شیراز چشم به جهان گشود. چون از کودکی عشق و علاقه وافری به هنر خوشنویسی داشت، هر قطعه از خطوط استادان که به دستش می‌افتاد، از روی آن مشق و تمرین می‌کرد. پدرش به محض آگاهی از عشق او به خوشنویسی، وی را نزد استادان زمان گذاشت تا به تکمیل هنر خود پردازد. کاهه سرانجام به مکتب آخرین استاد ارجمند خود میرزا محمدحسین (عمادالکتاب) راه پیدا کرد و از محضر این استاد گرانمایه بهره‌های فراوانی برد و از بهترین شاگردان او گردید. مرتبه هنر استاد کاهه تا به آن درجه رسید که مرحوم محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) در نامه‌ای وی را «میرعماد عصر» لقب داده است. نقطه عطف زندگی هنری استاد کاهه را باید در آشنایی با استاد عالی‌قدرش و بهره‌وری از تعالیم عالی او دانست، دیدار کاهه جوان و مشتاق با عمادالکتاب، مقارن با دوران کمال توانایی و اوج سیر تحول و تکامل هنری عمادالکتاب بود؛ کاهه در چنین احوالی و با اندوخته و تعالیمی که از محضر کاتب‌همایون و کاتب‌الخالفان، استادان توانای اواخر دوره قاجار حاصل کرده بود به محضر عمادالکتاب راه پیدا کرد. او در این مرحله از خوشنویسی نیازمند به درک عمیق و تجربه فنی مطلوب از ساختارهای ترکیبی خط نستعلیق

وفات عالم و محدث شهید شیعه "سید رضی" گدآور دیده:rlm& ی نهج البلاغه (406 ق)، محمد بن حسین، معروف به سیدرضی در سال 359 قمری دیده به جهان گشود. پدرش ابواحمد حسین بن موسی نام دارد که تَسَبُّتْش با چهار واسطه به امام موسی بن جعفر(ع) می‌رسد. سیدرضی از بزرگان شیعه و دارای مقام و منزلت در دولت بنی‌عباس و دولت آل‌ربیع بود و برادرش، سید مرتضی، از بزرگان علما و فقهای شیعه در قرن پنجم هجری قمری و صاحب تألیفات فقهی و اصولی است. سیدرضی از همان اوایل کودکی با اشتیاق فراوان به محضر درس شیخ مفید حاضر شد و به همراه برادر، مراتب ترقی و کمال را پیمود. وی علاوه بر حدیث و پشتکار زیاد، از نبوغی ذاتی و خدادادی برخوردار بود که پیشرفت‌های علمی و ادبی او را سرعت می‌بخشید. سیدرضی از بزرگ‌ترین صاحبان فصاحت و بلاغت بود که از درکی صحیح و ذوقی سلیم بهره داشت. او در 9 سالگی چنان مهارتی در شعر از خود نشان داد که باعث شگفتی همگان گردید. وی در 30 سالگی، کل قرآن را در مدت کوتاهی حفظ نمود. سید، همه‌ی خلفای بنی‌عباس را غاصبان خلافت و ولایت و حکومت اسلامی می‌دانست و با اشعار خود، سعی در بیان حقایق و طرح عقاید انقلابی خود داشت. او در کنار فعالیت‌های سیاسی، به تدریس و تالیف همت گماشت و شاگردانی فاضل و آثاری ماندگار از خود به جای گذاشته است. شیخ طوسی، مفید نیشابوری، مهیار دیلمی و ابوالحسن هاشمی و... از شاگردان سیدرضی هستند. معانی القرآن، تلخیص البیان عن مجازات القرآن از جمله تألیفات اوست. شریف رضی در اقدامی بی‌نظیر، کلمات، خطابه‌ها، نامه‌ها و مواظب امام علی(ع) را گردآوری کرد و با نام "نهج البلاغه" به جامعه‌ی بشری اهدا نمود. سیدرضی اولین کسی است که مکانی برای تحصیل طلاب علوم دینی تهیه کرد و آن را دارالعلم نامید. سیدرضی از جمله علمای جامع شیعه است که در زمینه‌های مختلف علمی و اسلامی، مجتهد مسلم و صاحب نظر بود و در شعر و ادبیات عربی، هم‌اورد نداشت. سرانجام، سیدرضی این عالم شهیر اسلامی در محرم سال 406 قمری در 47 سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد. بدن پاک سید را پس از تشییعی با شکوه در منزلش به امانت به خاک سپرده و بعدها به حرم امام حسین(ع) در کربلا منتقل کردند.

نهج البلاغه: اساتذاتنا .
یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام با بنی اسرائیل به شهر عمالقه لشکر کشید. امیر شهر از مردی عابد به نام بلعم بن باعورا که زاهد و عالم یهودی بود و اسم اعظم را می‌دانست و مستجاب الدعوه بود، خواست تا یوشع و بنی اسرائیل را نفرین کنند تا یوشع و بنی اسرائیل مغلوب شوند.

بلعم در مقام معارضه درآمد، اسم اعظم را فراموش کرد ولی به امیر شهر نشان داد تا لشکر یوشع هلاک شوند. بلعم بن باعورا گفت: زنان زینت کرده به پیش بنی اسرائیل بفرست تا به فسق مشغول شوند. بنی اسرائیل مشغول شهوت‌رانی شدند خدای متعال هم مرض طاعون را برایشان فرستاد و هفتاد هزار نفر در عرض سه ماه نابود شدند.

منبع: حوادث الایام، سید مهدی مرعشی نجفی، صفحه 21

شهادت حضرت یحیی (ع)،
نه تنها تولد «یحیی» علیه السلام شگفت‌انگیز بود، مرگ او هم از پاره‌ای جهات عجیب بود، غالب مورخان مسلمان و همچنین منابع معروف مسیحی جریان این شهادت را چنین نقل کرده‌اند. (هر چند اندک تفاوتی در خصوصیات آن در میان آن‌ها دیده می‌شود).

«یحیی» علیه السلام قربانی روابط نامشروع یکی از طاغوت‌های زمان خود با یکی از محارم خویش شد، به این ترتیب که «هیرودیس» پادشاه هوسباز «فلسطین»، عاشق «هیرودیا» دختر برادر خود شد و زیبایی وی دل او را در گرو عشقی آتشین قرار داد، لذا تصمیم به ازدواج با او گرفت! این خبر به پیامبر بزرگ خدا «یحیی» علیه السلام رسید، او صریحاً اعلام کرد: این ازدواج نامشروع است و مخالف دستورات «تورات» و من به مبارزه با چنین کاری قیام خواهم کرد.

سر و صدای این مسأله در تمام شهر پیچید و به گوش آن دختر «هیرودیا» رسید، او که «یحیی» علیه السلام را بزرگترین مانع راه خویش می‌دید، تصمیم گرفت در یک فرصت مناسب از وی انتقام گیرد و این مانع را از سر راه هوس‌های خویش بردارد.

ارتباط خود را با عمویش بیشتر کرد و زیبایی خود را دامی برای او قرار داد و آنچنان در وی نفوذ کرد که روزی «هیرودیس» به او گفت: هر آرزویی داری از من بخواه که منظورتم مسلماً انجام خواهد یافت.

«هیرودیا» گفت: من هیچ چیز جز سر «یحیی» را نمی‌خواهم!؛ زیرا او نام من و تو را بر سر زبان‌ها انداخته و همه مردم به عیب جوئی ما نشسته‌اند، اگر می‌خواهی دل من آرام شود و خاطر من شاد گردد، باید این عمل را انجام دهی!

«هیرودیس» که دیوانه وار به آن زن عشق می‌ورزید، بی‌توجه به عاقبت این کار تسلیم شد و چیزی نگذشت که سر «یحیی» علیه السلام را نزد آن زن بدکار، حاضر ساختند. اما عواقب دردناک این عمل، سرانجام دامان او را گرفت.

باری طلبه، حسب بن، مظاهر از بنه، اسد
در شب ششم محرم جناب حبیب بن مظاهر اسدی با اذن امام حسین علیه السلام برای آوردن یاور و کمک به قبیله
بنی اسد رفت. اسدیان پذیرفتند و حرکت کردند، ولی جاسوسان به عمر سعد خبر دادند.

عمر عده ای را فرستاد تا مانع از آن‌ها شوند. درگیری رخ داد که در این میان جمعی از بنی اسد شهید و زخمی و بقیه
ناگزیر به فرار شدند. سپس حبیب بن مظاهر خدمت امام حسین علیه السلام آمد و جریان را عرض کرد.

منبع: تقویم شیعه، عبدالحسین نیشابوری، صفحه 18.

اولی، محاصره فرات در کربلا
به نقلی در روز ششم محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری، عمر سعد، شیب بن ربیع خیث را همراه سه هزار مرد
سفاک با کوبیدن طبل و دهل، کنار فرات فرستاد که اطراف آن را به محاصره درآورند.

منبع: تقویم شیعه، عبدالحسین نیشابوری، صفحه 18.

استفاده از سلاح "تهی" برای اولی، بار در جنگ بن، انگلستان و فرانسه (1346م)
در 26 اوت 1346م برای اولین بار در تاریخ، نیروهای ارتش انگلیس، جنگ و افزار توپخانه را در جنگ کرسی که با ارتش
فرانسه روی داد به میدان آوردند. در این جنگ به دلیل به کارگیری این اسلحه سنگین توسط ارتش انگلیس، فیلیپ
ششم پادشاه فرانسه با وجود برتری کمی نیروهایش نسبت به انگلیسی‌ها، در حالی که در آستانه پیروزی بر
دشمن بود، به سختی شکست خورد.

در گذشت "آنتوان فان لیونهوک" دانشمند هلندی و مخترع میکروسکوپ (1723م)
آنتوان فان لیونهوک، دانشمند و محقق هلندی، در 24 اکتبر 1632م در خانواده‌ای تهی‌ای دست در هلند به دنیا
آمد. وی از زمان کودکی، علاقه زیادی به کارهای فنی داشت و بیشتر اوقات، عدسی و آینه می‌ساخت، تا اینکه با
این ذره‌بین‌ها، ساختن و پرداخته دست خود، میکروسکوپ ساده‌ای ساخت و به وسیله آن، اشیاء ریز
را مورد مطالعه قرار داد. لیونهوک در این زمان، علی‌رغم اینکه برای امرار معاش به سرایداري و خشکبارفروشی مشغول
بود، با این حال میکروسکوپ را متوجه جهان موجودات ذره‌بینی کرد و آزمایش‌های گوناگونی با آن انجام داد.
او برای اولین بار آب را در زیر میکروسکوپ آزمایش کرد و به وجود موجودات ریز ذره‌بینی در آب آلوده پی برد. او نه
تنها موجودات ذره‌بینی را کشف کرد، بلکه به تجربیات با ارزش دیگری دست زد که در تاریخ علم، بی‌سابقه
بود که مشاهده گلبول‌های قرمز خون و کشف اسپرمتوزوئید یا سلول‌های جنسی مردان از آن
جمله‌اند. در این زمان بود که انجمن سلطنتی لندن آنتوان لیونهوک را با اینکه تحصیلات مشخص و منظمی نداشت،
به عضویت رسمی خود درآورد. او در سال 1674م به عنوان بزرگ‌ترین کشف، میکروب‌ها را مشاهده نمود و
یکی از اکتشافات مهم بشری را رقم زد. او انواع مختلف باکتری‌ها و جانوران تک‌سلولی را تشریح کرد و ابعاد
آنها را محاسبه نمود. لیونهوک هم‌چنین برای نخستین بار در سال 1683م، تصویری از باکتری‌ها را روی کاغذ
آورد و مراحل زندگی و تولید مثل آنان را مطرح و اثبات نمود. در این هنگام، آوازه شهرت لیونهوک عالم گیر شد و مورد
ستایش بسیاری از بزرگان قرار گرفت. او تا آخرین روز حیاتش، دست از کار و فعالیت نکشید تا اینکه در 26 اوت 1723م در
91 سالگی درگذشت. کشف بزرگ لیونهوک تا زمان لویی پاستور، پزشک و میکروب‌شناس معروف فرانسوی،
یعنی تقریباً دو قرن بعد کاربردی نداشت و عملاً مسکوت باقی مانده بود. میکروسکوپ آنتوان لیونهوک هرچند دستگاه
ساده‌ای بود که عدسی بسیار کوچکی داشت، ولی این اختراع گامی بود برای آیندگان. به طوری که با کوشش
دانشمندان و پیشرفت تکنولوژی، میکروسکوپ‌های الکترونیکی کنونی توانایی بزرگ‌نمایی چند صد هزار
برابری اجسام ریز را دارا می‌باشند.

تولد "آنتوان لاهو" به ششمی، دان معروف فرانسه (1723م)
آنتوان لاهو، کاشف و دانشمند شهیر فرانسوی و از بنیان‌گذاران علم شیمی نوین، در 26 اوت سال 1743م در
پاریس به دنیا آمد. وی در ابتدا رشته حقوق را به پایان رساند ولی به دلیل علاقه زیاد به علوم پایه، وارد این عرصه گردید.
از این رو از جوانی زیر نظر استادانی ماهر، نجوم، گیاه‌شناسی و شیمی و زمین‌شناسی را به خوبی
فراگرفت و در 25 سالگی به عضویت فرهنگستان سلطنتی علوم برگزیده شد. از این زمان بود که تحقیقات خود را بر روی
شیمی و فیزیولوژی متمرکز نمود و به اکتشافات مهمی نائل آمد. لاهو به ضمن تحقیقات خود، هوا را تجزیه کرد و
عناصر تشکیل دهنده آن را شناخت. او بدین ترتیب گاز اکسیژن و اهمیت آن را در عمل احتراق کشف نمود و
هم‌چنین موفق شد، هوا را از ترکیب عناصر اولیه آن بسازد. او اولین کسی بود که ثابت کرد حرارتی که بدن دارد
نتیجه احتراق کنده است که به طور مداوم در بدن ایجاد می‌شود. به مناسبت همین تحقیقات، او را
بنیان‌گذار علم فیزیولوژی و بیوشیمی می‌دانند. وی پژوهش‌ها و آزمایش‌های گسترده‌ای در علم شیمی انجام داد
در علم شیمی انجام داد آزمایش‌ها، قانون بقا و پایداری ماده را به اثبات رسانید. به موجب این اصل، هیچ چیز نه
به خودی خود به وجود می‌آید و نه از بین می‌رود. این قانون پایه و اساس فرمول‌های مهم شیمی
امروز است و طبق آن اگر دو یا چند عنصر با هم ترکیب شوند، عناصر دیگری به وجود می‌آید که وزنشان با وزن
عناصر اولیه یکی است. لاهو به نقش اکسیژن را در تنفس جانوران و گیاهان بیان کرد و حرارت بدن را نیز اندازه‌گیری
نمود. او تألیفات زیادی از خود بر جای نهاده که می‌توان به آثار هم‌چون ثروت‌های زیرزمینی امپراتوری
فرانسه، درباره منابع طبیعی و آب و هم‌چنین احتراق فسفر و گوگرد اشاره کرد. فعالیت‌های علمی لاهو

گاه بر اثر اشتغالات فنی و سیاسی که از طرف دولت به او ارجاع می‌شد وقفه و رکود پیدا می‌کرد. یکی از این ماموریت‌ها، مسئولیت جمع‌آوری مالیات مردم فرانسه بود که به او داده شد. اما پس از انقلاب کبیر فرانسه، بر اثر جو سازی‌هایی که علیه این دستگاه صورت گرفت، مسئولان آن به صورت افرادی خون‌خوار و منفور معرفی شدند که هم‌چون زالوهای خون‌خوار مردم را می‌مکیدند و از آنها مالیات می‌گرفتند. لذا همگی را دستگیر و محاکمه کردند. لاوازیه هم که نتوانسته بود بی‌گناهی خود را در این محاکمه جنجالی ثابت کند، محکوم به اعدام شد و سرانجام در روز هشتم مه 1794م، در 51 سالگی به زیر تیغ گیوتین رفت. یکی از دانشمندان فرانسه، پس از مرگ لاوازیه گفت: تنها یک لحظه وقت برای بریدن لاوازیه صرف شد و

شاید تا یک‌صد سال، زمان نتواند سر دیگری همانندش به وجود آورد. بود که بهره‌مندی از برش‌های مطلوب و شیوه شیرین استاد عالی‌مقام خود عمادالکتاب به دریافت‌های تکمیلی خویش، تعادل، لطف و ملاحظت بخشید. اندکی پس از درگذشت عمادالکتاب، جمال خط کاوه به جوهره اصلی و سرشت ذاتی خود میل کرده و به‌گونه‌ای مستقل چهره می‌نماید. از سال ۱۳۳۰ش تا ۱۳۴۰ش، دوران شکوفایی و اوج قدرت و کمال هنر استاد کاوه است. سرپنجه شاهکار آفرینش، فارغ از تقلید و با اعتماد به خویش و متکی به نفس، قلم سحر را به جولان درمی‌آورد، تا جایی که زبان گویای بنان و جریان سوار مرکب بر کاغذ تحریرش، بیننده آگاه را مجذوب و منقلب می‌نماید. استاد کاوه از سال ۱۲۹۸ش به سمت منشی مخصوص در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی برحسب دعوت یحیی قراگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل شد و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل دارالفنون، ثروت، سیروس، کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا این‌که بازنشسته گردید سپس بنا بر تقاضای اداره کل هنرهای زیبا، در کلاس آزاد هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر پرداخت. مرکز قلم استاد کاوه، مشقی، دو تا چهار یا پنج میلی‌متری است و به‌واقع، سیاه‌مشق‌های دلکش و پرجاذبه‌اش در این اندازه از دانگ قلم، با تحسین و اعجاب همگان همراه است. نمونه‌های بی‌نظیر این سیاه‌مشق‌ها، چشمان بیننده بصیر و آگاه به معیارهای زیباشناسی خط نستعلیق را خیره می‌سازد و به مرحله ناب و پرعیار و خلوصی می‌رسد که دیده از دیدار و روح از حلاوت و شیرینی آن خط روحانی و معنوی، سیر نمی‌شود. استاد کاوه در سیاه‌مشق‌های خویش، استادی خود را به منصفه ظهور رسانید و علاوه بر آن، آثار خطی دیگری را به یادگار گذاشته است که عبارت‌اند از: گلچین اشعار صائب، آیات منتخبه قرآن، تعلیمات دینی، صرف و نحو، بسیاری از کتب درسی آن زمان و... استاد کاوه با استفاده از طریقه مخصوص خود، در ۹ مورد دستور تعلیمی، خط شکسته را به متعلم می‌آموخت و گذشته از این، در تعلیم خط به نوآموزانی که شیفته این هنر زیبا بودند تا سرحد توانایی می‌کوشید و در نهایت دلسوزی، ایشان را با رموز آن آشنا می‌کرده و به سرمنزل مقصود می‌رسانید. استاد علی‌اکبر کاوه در بعد اخلاقی، آئینه تمام‌نمای هنر خود به‌شمار می‌رفت. او با خلق و خویی آرام توأم با رعایت ادب در برابر انسان‌ها از هر طبقه‌ای، فروتنی و تواضع داشت و سخنش در مصاحبه و محاوره با مردم به پیروی از همان آداب و نزاکتی بود که در خطش موجود است. در مدت شصت سال ممارست و ریاضتی که استاد کاوه جان پاکش را با رنج‌پذیری در کسب هنر جلا و صیقل داد، شاگردان بسیاری نیز تربیت کرد و از خود به یادگار گذاشت که سرآمد آن‌ها بزرگانی چون فرادی، معالی، حبیب‌الله فضائلی، محمد سلحشور، سیف‌الله یزدانی، جهانگیر نظام‌العلماء، علی راهجیری و... بوده‌اند که هر یک از آن‌ها خود از هنرمندان و استادان معاصر به‌شمار می‌روند و کم و بیش در خلق آثار ارزشمند و تربیت جوانان و شاگردان مستعد ایران‌زمین نقش به‌سزائی داشته‌اند.

در احادیث اسلامی می‌خوانیم: سالار شهیدان امام حسین علیه السلام می‌فرمود: «از پستی‌های دنیا این که سر یحیی بن زکریا» را به عنوان هدیه برای زن بدکاره ای از زنان بنی اسرائیل بردند».

منبع: تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ذیل آیه 15 سوره مریم.